نشریه مکتب احیاء، ٤(١١)، ٤٨-٥٧/ تابستان ١٤٠٥
10.22034/4.11.121

مقالهٔ پژوهشی

حیات اقتصادی و بازرگانی نجف‌آباد از صفویه تا قاجار*

ندا حجتی نجف‌آبادی[1]**
مهدی ممتحن[1]
علی عمرانی‌پور[1،2]
۱. گروه معماری، دانشکدهٔ معماری و هنر، دانشگاه کاشان، ایران
۲. گروه معماری، دانشکدهٔ معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

واژگان کلیدی
تاریخ اقتصاد، صفویه، قاجار، نجف‌آباد

چکیده

نجف‌آباد از شهرهای برنامه‌ریزی‌شدهٔ دورهٔ صفوی است که در پیوند با سیاست‌های اقتصادی و امنیتیِ اصفهان شکل گرفت و به‌تدریج در شمار کانون‌های تولید و مبادله در حوزهٔ پیرامونی پایتخت صفوی قرار گرفت. مسئلهٔ اصلی این پژوهش، تبیین مؤلفه‌های سازندهٔ ساختار اقتصادی نجف‌آباد و چگونگی تعامل آن با نظام اقتصادی اصفهان از دورهٔ صفویه تا قاجار است. پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش، با روش تاریخی-تحلیلی و بر پایهٔ داده‌های حاصل از منابع کتابخانه‌ای، سفرنامه‌ها، متون تاریخی و گزارش‌های محلی انجام شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد نجف‌آباد، اگرچه بر باغداری و دامداری استوار بود، در عمل برآیندِ پیوندی پویا میان تولیدات کشاورزی، صنایع تبدیلی، پیشه‌های شهری و مبادلات بازارمحور به‌شمار می‌رفت. در این میان، زیرساخت‌های آبی، به‌ویژه شبکهٔ قنوات، در گسترش تولید و پایداری معیشت نقشی اساسی داشتند و صنایع تبدیلی، به‌ویژه عصارخانه‌ها و آسیاب‌ها، با تبدیل مواد خام به کالاهای دارای ارزش افزوده، زمینهٔ پیوند اقتصاد محلی با شبکهٔ مبادلات منطقه‌ای را فراهم می‌کردند. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد نجف‌آباد در تعامل مستمر با اصفهان شکل گرفت؛ تعاملی که از یک‌سو بیانگر وابستگی کارکردی این شهر به مرکز و از سوی دیگر نشان‌دهندهٔ نقش مؤثر آن در تأمین کالا و گردش اقتصادی منطقه بود. در مجموع، نجف‌آباد در فاصلهٔ صفویه تا قاجار، نه صرفاً به‌عنوان سکونتگاهی کشاورزی، بلکه به‌مثابه شهری با اقتصادی چندوجهی و متکی بر پیوند تولید، فرآوری و مبادله تکوین یافت و جایگاه خود را در نظام اقتصادی ناحیه‌ای تثبیت کرد.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «ندا حجتی نجف آبادی» با عنوان «طراحی واحد همسایگی کار و زندگی مبتنی‌بر ظرفیت کارکردی خانه و خانواده گسترده در نجف آباد» است که به راهنمایی دکتر «مهدی ممتحن» و مشاورهٔ «علی عمرانی پور» در دانشکدهٔ معماری و هنر، دانشگاه کاشان در سال ۱۴۰۲ انجام شده است.

** نویسندهٔ مسئول: ۰۹۳۰۲۸۳۳۶۹۰، ndhojati@gmail.com

This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-09]
[DOI: 10.22034/4.11.121]

مقدمه

شهر نجف‌آباد، در ۲۵ کیلومتری غرب اصفهان، از نمونه‌های ممتاز شهرسازی برنامه‌ریزی‌شده در عصر صفوی به‌شمار می‌آید که بر پایهٔ طرحی منسجم و هدفمند بنیان نهاده شد. برخلاف بسیاری از شهرهای تاریخی ایران که گسترش کالبدی آن‌ها عمدتاً بر اثر رشد تدریجی و خودرو شکل گرفته است، نجف‌آباد از آغاز بر اساس نظمی هندسی و با ملاحظات روشن اقتصادی و زیستی پدید آمد. آن‌چنان که آندره زیگفرید، جامعه‌شناس فرانسوی، آورده است: «نجف‌آباد شهری است که در زمان شاه‌عباس به دستور و نقشهٔ شیخ‌بهایی ساخته‌اند. نجف‌آباد تنها محل یا یکی از محل‌های نادری است که چون به منظور خاص و طبق نقشهٔ عمومی با فکر واحد به وجود آمده است دارای نظام و قاعده‌ای است» (Siegfried, 1950/1964).

بنیان‌گذاری این شهر را نمی‌توان صرفاً اقدامی عمرانی یا کالبدی تلقی کرد، بلکه باید آن را در پیوند با سیاست‌های کلان دولت صفوی برای تقویت زیرساخت‌های معیشتی، پشتیبانی از پایتخت و سامان‌دهی فضاهای پیرامونی اصفهان تحلیل کرد. راجر سیوری بر این باور است که شاه‌عباس و شیخ‌بهایی با طراحی شبکه‌های دقیق آبیاری و بنیان‌گذاری این شهر، در واقع «زیربنای زراعی استواری» برای پایتخت جدید صفوی فراهم آوردند (Savory, 1980/2003). مهدی بازرگان (۱۳۵۷) در مقاله «سازگاری ایرانی»، نجف‌آباد را شهری با مأموریتی نظامی معرفی می‌کند که به دستور شاه‌عباس برای استقرار کارگران اسلحه‌ساز بنیان نهاده شد. این هویت صنعتی-نظامی تنها در متون تاریخی بازتاب نیافت، بلکه در کالبد شهر و در تداوم حرفه‌های آن نیز ریشه دواند. به اعتقاد وی، صنایع فلزی مشهور نجف‌آباد در دوره‌های متأخر، از جمله چاقوسازی و تولید ابزارآلات برنده، میراث همان تخصص اسلحه‌سازی عصر صفوی است که از زرادخانه‌های شاهی به بازار شهری انتقال یافت و در قالبی تازه استمرار پیدا کرد[1] (Siegfried, 1950/1964).

افزون‌براین، موقعیت جغرافیایی نجف‌آباد و قرارگیری آن در حوزهٔ ارتباطی اصفهان با نواحی پیرامونی، زمینهٔ مساعدی برای پیوند فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و مبادلاتی فراهم می‌ساخت. گزارش‌های برخی سفرنامه‌نویسان و شواهد موجود دربارهٔ راه‌های کاروان‌رو و مناسبات تجاری منطقه نشان می‌دهد که نجف‌آباد در شبکهٔ تأمین، توزیع و مبادلهٔ کالا نقشی مهم ایفا می‌کرد. دلیل این ادعا عبور افرادی هم چون بروگش، فلاندن، دالمانی و دیگران از این شهر است. به علاوه بروگش از کاروان‌های تجاری که این مسیر را می‌پیمودند نیز سخن گفته است.[2] این روایات هیچ یک ناقض دیگری نبوده و تمامی کارکردها می‌تواند هدف ایجاد شهر نجف‌آباد محسوب گردد (تصویر ۱ و ۲).

با وجود این اهمیت، حیات اقتصادی نجف‌آباد در فاصلهٔ زمانی صفویه تا قاجار، کمتر موضوع مطالعه‌ای مستقل و منسجم قرار گرفته است. بخش مهمی از آثار موجود یا بر جنبه‌های کالبدی، معماری و تاریخی شهر متمرکز بوده‌اند، یا در سطحی توصیفی به معرفی مشاغل و ویژگی‌های محلی پرداخته‌اند، بی‌آنکه سیر تحول ساختار اقتصادی شهر، پیوند میان معیشت، تولید، مبادله و کارکردهای منطقه‌ای آن را در یک چارچوب تحلیلی بررسی کنند. ازاین‌رو، مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر، تبیین چگونگی شکل‌گیری، تداوم و تحول حیات اقتصادی نجف‌آباد از عصر صفوی تا دورهٔ قاجار و در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. ساختار و الگوی اقتصاد شهری نجف‌آباد در دورهٔ صفویه و قاجار چگونه شکل گرفت و چه تحولاتی را تجربه کرد؟

۲. نجف‌آباد در شبکهٔ مبادلات منطقه‌ای چه جایگاهی داشته و تعاملات تجاری آن با مرکز سیاسی (اصفهان) طی دوره‌های صفویه و قاجار بر چه اساسی استوار بوده است؟

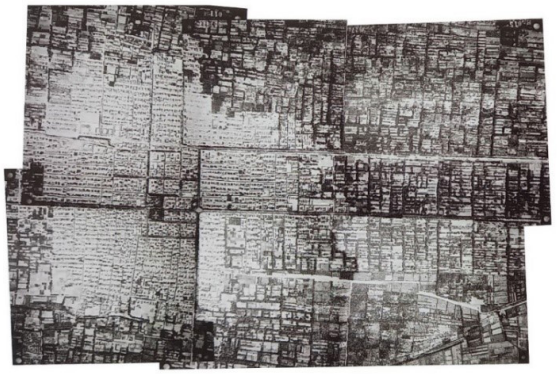

تصویر ۱. عکس هوایی شهر در سال ۱۳۳۵ شمسی، باغات پیرامون شهر. مأخذ: (کرباسی، ۱۳۹۹، آرشیو عکس‌های هوایی سازمان نقشه برداری کشور).

تصویر ۲. منظره‌ای از نجف‌آباد که توسط ارنست هولستر آلمانی در زمان ناصرالدین شاه عکاسی شده است. بافت به هم پیوسته و کاهگلی و بام‌های طاق و چشمه شهر و درختان سرسبز حیاط‌ها را نمایش می‌دهد. مأخذ: Hoeltzer, 1955/1956, 232.

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده دربارهٔ نجف‌آباد، هرچند از حیث شناخت تاریخ محلی، بافت شهری و تحولات کالبدی ارزشمندند، اما اغلب به‌صورت مستقیم به تحلیل حیات اقتصادی این شهر نپرداخته‌اند. برخی آثار محلی، مانند «رساله دیاریه خوراکوشک» و «مقدمه‌ای بر تاریخ و فرهنگ مردم نجف آباد»، بیشتر مبتنی‌بر اطلاعات روایی، خاطرات محلی و معرفی اجمالی مشاغل و ویژگی‌های اجتماعی شهرند. این آثار، با وجود اهمیت در ثبت حافظهٔ محلی، غالباً فاقد چارچوب تحلیلی برای بررسی روندهای اقتصادی در بستر تاریخی

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-09]

[DOI: 10.22034/4.11.12]

هستند. در میان پژوهش‌های دانشگاهی نیز بخشی از مطالعات نظیر صالحی نجف‌آبادی (۱۳۹۷) و حجتی و همکاران علی رغم اینکه بر ابعاد معماری و کالبدی شهر تمرکز داشته‌اند، اطلاعات سودمندی درباره ساختار فضایی بازار و اقتصاد بومی نجف‌آباد عرضه کرده‌اند (Hojati Najafabadi, et al., 2026). بااین‌حال، این پژوهش‌ها نیز عمدتاً از منظر معماری و تاریخ شهر به موضوع نگریسته‌اند و کمتر به بازسازی نظام معیشتی، پیوند حرفه‌ها و محصولات با تحولات تاریخی، یا جایگاه نجف‌آباد در شبکهٔ اقتصادی منطقه پرداخته‌اند. بر این اساس، خلأ اصلی در ادبیات موجود، نبود پژوهشی است که با تلفیق داده‌های تاریخ محلی، سفرنامه‌ها، منابع جغرافیای تاریخی و شواهد مربوط به مشاغل، تولیدات و مناسبات مبادلاتی، سیر تطور اقتصاد نجف‌آباد را از عصر صفوی تا قاجار به‌صورت مستقل و تحلیلی بررسی کند.

روش پژوهش

این پژوهش با راهبردی تاریخی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. گردآوری داده‌ها بر پایهٔ مطالعات کتابخانه‌ای، منابع مکتوب، سفرنامه‌ها، اسناد تاریخی و پژوهش‌های مرتبط صورت گرفته و سپس داده‌های حاصل با رویکردی تفسیری تحلیل شده‌اند. تمرکز اصلی پژوهش بر بازسازی سیر تحول ساختار اقتصادی نجف‌آباد، شناسایی مؤلفه‌های اصلی معیشت و تبیین نسبت میان بستر جغرافیایی و کارکردهای اقتصادی شهر است.

از آنجا که بخش مهمی از داده‌های موجود، به‌ویژه در سفرنامه‌ها، مربوط به مقاطع خاصی از دورهٔ قاجار است و اطلاعات پیوسته و هم‌تراز برای همهٔ ادوار در دست نیست، این پژوهش کوشیده است با استفاده از استنتاج تاریخی و تطبیق داده‌های پراکنده، تصویری نسبتاً منسجم از روند تحول اقتصادی شهر ارائه دهد. بدین‌ترتیب، تحلیل حاضر نه صرفاً بر توصیف داده‌ها، بلکه بر تفسیر پیوند میان شواهد تاریخی، ساختار فضایی شهر و استمرار یا دگرگونی فعالیت‌های اقتصادی استوار است.

یافته‌ها

• باغداری و دامداری؛ بنیان اقتصاد معیشتی نجف‌آباد

باغداری و دامداری را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی معیشتی و اقتصادی نجف‌آباد در دورهٔ صفوی و قاجار دانست. بسیاری از مورخان، یکی از اهداف بنیادین ایجاد این شهر در دورهٔ صفوی را تقویت پشتوانه معیشتی و امنیت غذایی اصفهان دانسته‌اند.

شیروانی (۱۳۶۲) که در زمان ناصرالدین شاه به نجف‌آباد می‌آید اینطور آورده است: «[...] شاه عباس ماضی آن قصبه را احداث نموده و جمیع خان‌ها و بوستان‌های آنجا را به طریق مهندسی طرح فرموده و از چهار طرف آنجا زیاده از یک فرسخ خیابان کشیده و درخت چنار و اشجار میوه‌دار در آن خیابان نشانیده. راقم در تمامت کشور ایران بدان اسلوب شهری و قصبه ندیده». گسترهٔ باغات و سامان‌یافتگی فضای کشاورزی شهر چنان بود که تحسین سیاحان خارجی را برانگیخت؛ چنان‌که هاینریش بروگش، سفیر آلمان در عصر قاجار، در سفرنامهٔ خود می‌نویسد: «باغ‌های نجف‌آباد به قدری وسیع هستند که ما مدت سه ربع ساعت در کوچه‌باغ‌های این شهر با اسب‌های خود تاختیم تا سرانجام به خیابان‌ها و بازار شهر رسیدیم» (Brugsch, 1968/1983). اوژن فلاندن[۳] نیز بر همین ویژگی «باغ‌محور بودن» شهر تأکید کرده و آن را دهستانی مستور در میان باغات توصیف کرده است (Flandin, & Pascal Coste, 1851/1957). الاصفهانی (۱۳۶۸، ۳۷۲)، تاریخ نویس مشهور، در توصیف نجف‌آباد تاریخی چنین آورده که: «سلاطین صفویه از ابتدای آن به طرف طول خیابانی طرح انداخته‌اند به طرز چهارباغ و در دو طرف اشجار چنار کاشته‌اند و هر دو جانب باغات انداخته و تا اواخر آن ممتد نموده‌اند و به کمال خوبی ساخته و اگر چه اکثر آن خراب شده است و درختان ضایع گشته مع ذلک هنوز شکوه و صفای آن را خود حکایت و بزرگی بانی را می‌نماید... هوای آن مثل ماربین است و باغات به همان حالت و در نهایت صفا و طراوت است» (تصاویر ۳ و ۴).

در آن شهرک (نجف آباد)، گله‌دار نیز بسیار است (جابری انصاری، ۱۳۷۸). گله‌داری مشغله‌ای مهم و فراگیر بود که پس از کشاورزی توجه عمومی را به خود جذب می‌کرد. فراوانی آغل‌های مخروبه و آباد دشت‌های شمالی و جنوبی نجف‌آباد نشان از گستردگی

تصویر ۳. ظل‌السلطان در نوشتهٔ پایین عکس قید کرده است: «چهارباغ نجف‌آباد است. چهارباغ قشنگ وطولانی است چنارهای بلند کهن دارد سایبان خوب دارد همیشه‌ام آب جاری از دو طرف او روان است». مأخذ: آلبومخانه کاخ گلستان، آلبوم عکس بناهای قدیمی اصفهان و شکارهای ظل‌السلطان، عکس شماره ۳۴.

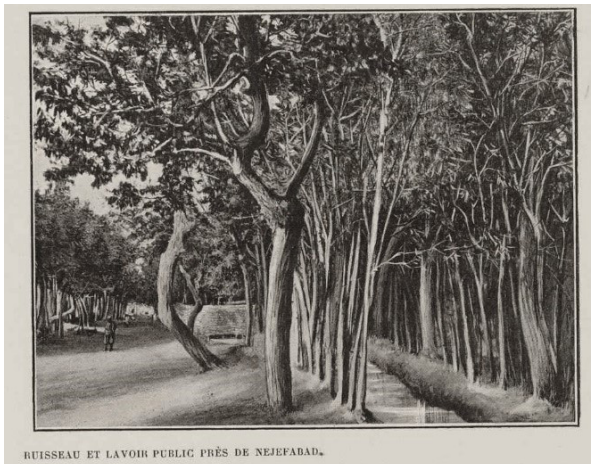

تصویر ۴. حومهٔ نجف‌آباد برگرفته از کتاب «سفرنامه از خراسان تا بختیاری» مأخذ: D'Allemagne, 1911/1956.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-09]

[DOI: 10.22034/4.11.121]

فعالیت دامی در این منطقه می‌دهد (یزدانی نجف‌آبادی، ۱۳۹۶). نجف‌آباد در ابتدا به قطب تجاری روستاهای اطراف تبدیل شد و هر روزه شاهد حضور دامداران و کشاورزان منطقه برای خرید و فروش بود. محصولات باغی نجف‌آباد مانند بادام، انار، انگور[۴] و گردو نیز از ارزش بازرگانی قابل توجهی برخوردار بودند. میرزاحسین تحویلدار[۵] (۱۳۴۳) به صادرات سالانه مغز بادام نجف‌آباد به بمبئی اشاره می‌کند. همچنین نویسنده «نصف‌جهان فی تعریف الاصفهان» با اشاره به مرغوبیت بادام این ناحیه، از فرآوری محصولات باغی به صورت خشکبار (مانند برگه زردآلو، آلوچه، هلو و کشمش عسکری) سخن گفته است[۶].

این امر نشان می‌دهد که کشاورزان نجف‌آبادی تنها به تولید مواد خام بسنده نمی‌کردند، بلکه با تبدیل محصولات باغی به فرآورده‌های قابل نگهداری و قابل حمل، توانسته بودند دامنه مبادلات خود را تا بازارهای دوردست گسترش دهند. در کنار کشاورزی و باغداری، گله‌داری نیز به‌عنوان دومین رکن مهم اقتصاد نجف‌آباد، بر تولید انواع لبنیات و فرآورده‌های دامی، مواد اولیه منسوجاتی چون پشم را نیز فراهم می‌ساخت و از طریق تأمین کود حیوانی به پایداری چرخهٔ تولید کشاورزی یاری می‌رساند. بدین ترتیب مطابق با جدول ۱، میان کشاورزی، دامداری و صنایع، نوعی هم‌افزایی اقتصادی شکل گرفته بود که تداوم تولید و پایداری معیشت محلی را تضمین می‌کرد.

رونق کشاورزی و دامداری به‌تدریج، زمینهٔ شکل‌گیری شبکه‌ای از مبادلات اقتصادی را فراهم ساخت و این شهر را از یک کانون تولید محلی به یکی از بارانداز‌های مهم تجاری در حوزهٔ پیرامونی اصفهان بدل کرد. حجم مبادلات چنان بود که در شهر اصفهان، دو کاروانسرای بزرگ، یکی در نزدیکی مسجد حکیم و دیگری در میدان کهنه، به‌طور اختصاصی برای عرضه و فروش روزانه محصولات نجف‌آباد و روستاهای پیرامون آن در نظر گرفته شد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷). اهمیت تولیدات نجف‌آباد تنها به دوران رونق اقتصادی محدود نبود، بلکه در دوره‌های بحران نیز نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کرد. گزارش‌های روزنامه‌های «زاینده‌رود» (۱۳۲۹) و «مفتش ایران» (۱۳۳۶) نشان می‌دهد که در سال‌های کمبود نان و بروز قحطی، ورود محصولات نجف‌آباد به بازار اصفهان موجب کاهش قیمت‌ها می‌شد و تا حدی از شدت بحران معیشتی مردم می‌کاست (یزدانی نجف‌آبادی، ۱۳۹۶). افزون بر تأمین ارزاق، نجف‌آباد یکی از منابع مهم سوخت اصفهان نیز به‌شمار می‌رفت. الاصفهانی (۱۳۶۸)، که در دورهٔ قاجار از این شهر دیدن کرده است، از باغ‌های پردرخت نجف‌آباد یاد می‌کند که هیزم نصف سال اصفهان، حاصل هرس آنان است.

• پیشه‌ها و بازارهای مؤثر در اقتصاد نجف‌آباد

هر چند در بیشتر قسمت‌های بازار تفکیک خاصی وجود نداشت و در همان حجره‌ای که خشکبار می‌فروختند؛ فرش هم معامله می‌شد؛ به‌تدریج، برخی از گذرهای فرعی به راسته‌هایی تخصصی تبدیل شد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷). ظهور راسته‌هایی نظیر پینه‌دوزها، چاقوسازها، نمدمال‌ها و رنگرزها، نشان‌دهندهٔ تکامل ساختار اجتماعی-اقتصادی و تقسیم کار دقیق در شهر است (همان). در این میان، صنعت نساجی و رنگرزی یکی از برجسته‌ترین بخش‌های اقتصاد بازار در نجف‌آباد بود. این صنعت نمونه‌ای روشن از اقتصاد بومی و پایدار محسوب می‌شد؛ زیرا بخش مهمی از زنجیره تولید، از تأمین مواد اولیه تا فرآوری و عرضه محصول، در درون منطقه انجام می‌گرفت.

جدول ۱. محصولات شاخص باغی، زراعی و دامی نجف‌آباد و صنایع وابسته به آن در دوران قاجار. مأخذ: Hojati Najafabadi, et al., 2026 با تصرفات نگارنده.

محصول اولیه		محصول تبدیلی	نوع فعالیت و صنعت شکل‌گرفته در ارتباط با محصول		
باغی	بادام	خشکبار			
	انار	رب انار	رنگرزی		
	گردو	خشکبار	رنگرزی		
	توت	خشکبار (توت‌خشک) و شیره			
	انگور	مویز، غوره، کشمش			
		سرکه			
	چوب	سبد، هیزم و...	لوده بافی (نوعی سبد که با شاخه ارغوان، انار یا بید می بافند)، درودگری		
زراعی	گندم	آرد، کاه	آسیاب		
	جو	آرد			
	دانه‌های نباتی	روغن خوراکی، صنعتی و طبی	عصارخانه		
	پنبه	نخ	ریسندگی و رنگرزی	صنایع دستبافت (کرباس‌بافی، گیوه‌دوزی، قالی‌بافی)	چیتگری
دامی	شیر	ماست، پنیر، کره، روغن، کشک			
	پشم	نخ منسوجات	ریسندگی و رنگرزی	صنایع دستبافت (قالی‌بافی، نمدمالی)	

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-09]
[DOI: 10.22034/4.11.12]

بروگش دربارهٔ بازار نجف‌آباد آورده است: «از گردش در چند کوچه و خیابان به بازار نجف‌آباد رسیدیم با این که بعد از ظهر بود همهٔ مغازه‌های آنجا باز و کسبه به کسب و کار اشتغال داشتند. قسمت مهمی از صنایع و کاردستی مردم نجف‌آباد و کسبهٔ بازار، پاک‌کردن پنبه، ریسندگی و رنگرزی آن بود. آن‌ها با وسایل ابتدایی، غوزه‌ها و وش‌های پنبه را از دانه‌های آن جدا می‌کردند و بعد به وسیلهٔ دوک، پنبه‌ها را تبدیل به نخ می‌کردند... کارگاه‌های رنگرزی هم در بازار نجف‌آباد فراوان بود و رنگی که در آنجا مصرف می‌شد بیشتر رنگ‌های نیلی و مشتقات آن و هم چنین رنگ‌های طبیعی بود که رنگرزها مطابق فرمول‌هایی که از نیاکان خود به ارث برده‌اند از نباتات و میوه‌جات استخراج می‌کردند» (Brugsch, 1968/1983). این گزارش نشان می‌دهد که بازار نجف‌آباد صرفاً محل مبادلهٔ کالا نبود، بلکه بخشی از فرایند تولید نیز در فضای بازار و راسته‌های وابسته به آن انجام می‌شد. استفاده از رنگ‌های طبیعی، به‌ویژه پوست انار و پوست گردو، که در منطقه به‌وفور تولید می‌شد، بیانگر پیوند مستقیم میان باغداری و صنایع شهری است. از سوی دیگر، پشم مورد نیاز برای تولید قالی، قالیچه و برخی منسوجات، تا پیش از شکل‌گیری کارخانه‌های پشم‌ریسی، از دام‌های منطقه و روستاهای اطراف تأمین می‌شد. در نتیجهٔ چنین ساختاری، برخی از تولیدات نجف‌آباد مانند: چاقو[7]، کرباس، پارچه قلمکار[8]، قالی[9] و قالیچه به‌تدریج توان رقابت در بازارهای گسترده‌تر را یافتند و حتی در مواردی به بازارهای فرامنطقه‌ای و کشورهای همجوار راه پیدا کردند (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷). در دورهٔ قاجاریه قسمت مهمی از صنایع و کاردستی مردم نجف‌آباد را پاک‌کردن پنبه و ریسندگی و رنگرزی تشکیل می‌داده که این نشانه‌ای از کم شدن فعالیت‌های کشاورزی در اواخر دورهٔ قاجار است و مردم در این دوره بیشتر به کارهای صنعتی پرداخته‌اند (رنجبر نجف‌آبادی، ۱۳۹۰) (تصاویر ۵، ۶ و ۷).

• صنایع تبدیلی (عصارخانه‌ها و آسیاب‌ها)

اقتصاد نجف‌آباد در عصر صفوی و قاجار، تنها بر تولید مواد خام کشاورزی و دامی استوار نبود؛ بلکه بر شبکه‌ای از صنایع تبدیلی و خدمات وابسته نیز تکیه داشت. در این میان، عصارخانه‌ها از مهم‌ترین ارکان این ساختار صنعتی به شمار می‌آمدند. بنا بر برخی گزارش‌ها، شمار عصارخانه‌های نجف‌آباد به حدود بیست واحد می‌رسید (خلیلی، ۱۳۹۵) که اکنون کمتر از پنج عدد از آن‌ها باقی مانده است. بروگش از این واحدها با عنوان «کارخانه» یاد می‌کند[10] (Brugsch, 1968/1983). مواد اولیهٔ مورد نیاز عصارخانه‌ها دانه‌های روغنی بود که تعداد زیادی از کشاورزان منطقه آن را کشت می‌کردند. کارکرد این واحدها فراتر از مصارف خوراکی و درمانی، معطوف به تولید روغن چراغ بود؛ کالایی استراتژیک که تجارت آن به کشورهای همسایه، یکی از پرسودترین فعالیت‌های بازرگانی منطقه محسوب می‌شد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷). همهٔ عصارخانه‌ها در مسیر جاده اصلی، کوچهٔ شاه، یا در پهنه بازار بود (همان). تمرکز چنین صنایعی در نجف‌آباد موجب شده بود که مسافران و بازرگانانی از شهرهای دور برای بهره‌گیری از خدمات این مراکز به شهر مراجعه کنند و گاه چند روز در اتاق‌های وابسته به عصارخانه‌ها یا کاروانسراهای مجاور اقامت گزینند؛ وضعیتی که نوعی رفت‌وآمد اقتصادی و تجاری مستمر را در شهر شکل می‌داد (تصاویر ۸، ۹ و ۱۰).

پایداریِ باغات وسیع نجف‌آباد در اقلیمی فاقد آب‌های سطحی، مرهون نبوغِ مهندسی در حفر قنوات بود. نفیسی (۱۳۸۸) در مقدمهٔ دیوان شیخ‌بهایی می‌نویسد: «دیگر از کارهای علمی که به بهایی نسبت می‌دهند طرح‌ریزی کاریز نجف‌آباد اصفهان است که به نام قنات زرین کمر یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن، نه فرسنگ است و به یازده جوی بسیار بزرگ تقسیم می‌شود». بیشتر آب نجف‌آباد را قنات‌ها تامین می‌کرد. سیزده رشته قنات که در دوره‌های

تصویر ۵. ساخت ادوات جنگی و ابزار آلات. مأخذ: موزه مردم‌شناسی نجف‌آباد.

تصویر ۶. پنبه‌زنی. مأخذ: موزه مردم شناسی نجف‌آباد.

تصویر ۷. صنعت لوده‌بافی و گیوه‌بافی در نجف‌آباد. مأخذ: کرباسی، ۱۳۸۴.

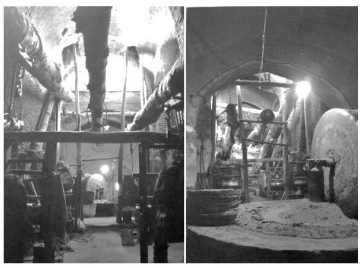

تصویر ۸. عصارخانه اخلاقی. مأخذ: خلیلی، ۱۳۹۵.

تصویر ۹. عصارخانه بابا محب. مأخذ: خلیلی،۱۳۹۵.

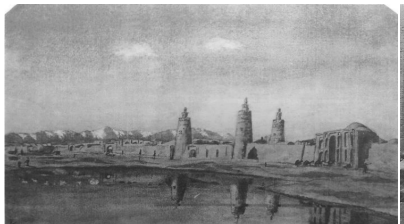

تصویر ۱۰. این نقاشی توسط یک جهانگرد انگلیسی در سال ۱۹۱۲ میلادی از کاروانسرای زنبوری ها و خندق روبروی آن کشیده شده است مأخذ: خلیلی، ۱۳۹۵.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-09]

[DOI: 10.22034/4.11.121]

مختلف، از پیش از صفویه تا قاجاریه، احداث یا احیا شده بود، آب را از مناطق بالا دست به نجف‌آباد می‌رساند (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷). کار اصلی این قنات‌ها آبیاری باغات بود. این شبکه عظیم آبیاری، نه‌تنها کشاورزی را رونق می‌بخشید، بلکه نیروی محرکهٔ لازم برای «آسیاب‌های آبی» را نیز فراهم می‌آورد (تصاویر ۱۱ و ۱۲).

در اسناد تعیین حدود قنوات به ۲۷ آسیابی که در مسیر بوده، اشاره شده است (همان)[۱۱] در کتاب الاصفهان آورده شده که «آب جوب‌شاه که از قنات‌های مهم ایران شمرده می‌شود و مخصوص نجف‌آباد است از وسط کرون عبور می‌کند قریب نه فرسخ طول آن است و در هر شبانه روز متجاوز از چهارصد جریب مشروب می‌سازد و چندین

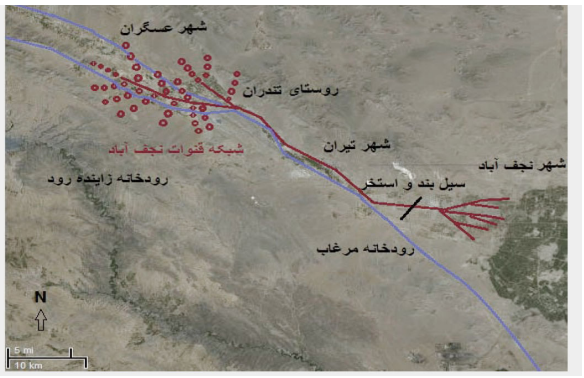

تصویر ۱۱. شبکهٔ قنوات نجف‌آباد بر روی تصویر ماهواره‌ای مأخذ: Ghayour Najafabad & Sharifi, 2011.

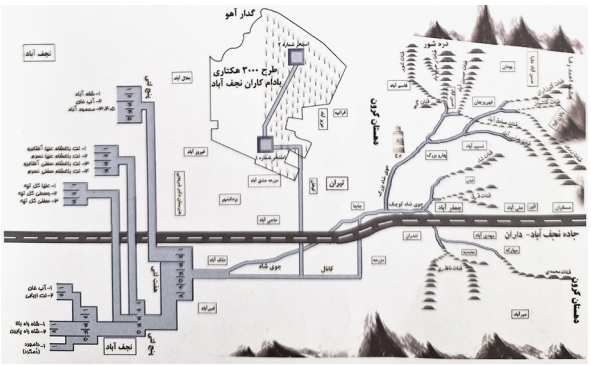

تصویر ۱۲. طرحی شماتیک از مسیر قنات‌ها در شهر مأخذ: خلیلی، ۱۳۹۵.

آسیاب که روزی حدود پنجاه خروار گندم آرد می‌سازد سالیانه از این آب گردش می‌کند» (جناب، ۱۳۷۱). فعالیت گستردهٔ آسیاب‌های آبی خود نشان‌دهنده حجم قابل توجه تولید غلات و پویایی اقتصادی منطقه در دورهٔ قاجار است (تصاویر ۱۳ و ۱۴).

• جایگاه نجف‌آباد در شبکهٔ مبادلات محلی و منطقه‌ای

بررسی روند تحولات اقتصادی نجف‌آباد در دوره ناصری نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت و تنوع محصولات تولیدی نقش مهمی در تثبیت جایگاه این شهر به‌عنوان یکی از مراکز فعال بازرگانی در حوزه پیرامونی اصفهان داشته است. بروگش در وصف نجف‌آباد دورهٔ ناصری می‌نویسد: «در بازارهای نجف‌آباد اشیای لوکس و هنری و نفیسی که در جاهای دیگر ایران نمی‌توان یافت عرضه می‌شود». شواهد تاریخی با اشاره به استقرار قریب به ۴۵۰ واحد صنفی فعال در کنار عناصر عام‌المنفعه‌ای

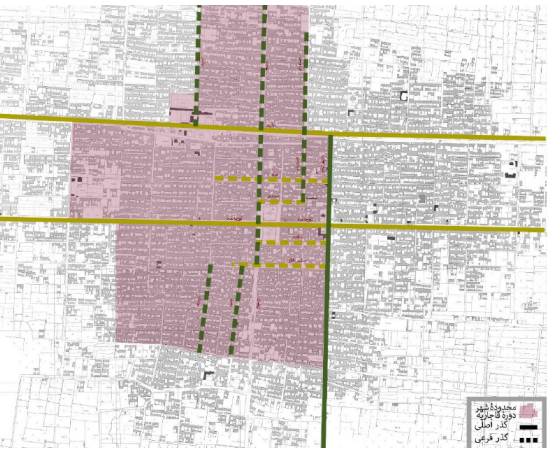

تصویر ۱۳. محدودهٔ شهر و گذرهای اصلی و فرعی در اواخر دورهٔ قاجار؛ پیاده شده بر نقشه ۱۳۴۵. مأخذ: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷.

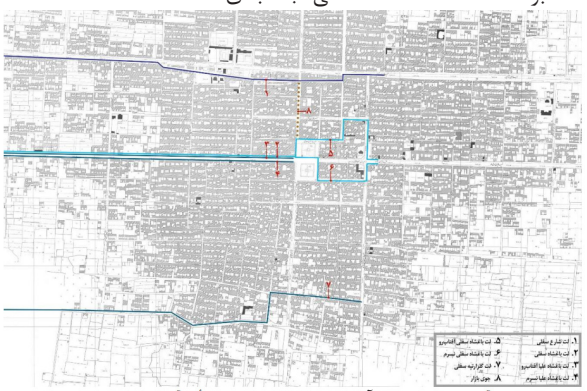

تصویر ۱۴. مسیر جوی‌های آبی که در دورهٔ قاجاریه وارد شهر می‌شدند؛ پیاده شده بر نقشه ۱۳۴۵. مأخذ: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷.

نظیر مساجد و حمام‌های فاخر، بر خودکفایی اقتصادی نجف‌آباد و استقلال بازرگانی آن از مرکز اصفهان صحه می‌گذارند[۱۲] (Brugsch, 1968/1983).

در ساختار اقتصادی شهر، سه عنصر مهم نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعهٔ فعالیت‌های تجاری ایفا می‌کردند: نخست «عصارخانه‌ها» که نماد ظرفیت تولیدی و صنایع تبدیلی شهر بودند؛ دوم «تیمچه‌ها» که به‌عنوان فضاهای متمرکز داد و ستد کالا عمل می‌کردند؛ نجف‌آباد حدود ۱۰ تیمچه داشت که به نام صاحب اصلی شناخته می‌شد (خلیلی، ۱۳۹۵) که موقعیت مکانی پنج تیمچه مشخص است (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷). و سوم «کاروانسراها» که زیرساخت‌های اقامتی لازم برای حضور بازرگانان و انتقال کالا را فراهم می‌ساختند. نجف‌آباد حدود ۲۰ کاروانسرا داشت که تمرکز اصلی آن‌ها در محدودهٔ بازار بود و تنها محل ۱۳ عدد از آنها مشخص است (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷). وجود چنین عناصری در بافت بازار، نشان‌دهندهٔ شکل‌گیری شبکه‌ای سازمان‌یافته از تولید، مبادله و توزیع کالا در نجف‌آباد است. تحلیل کمّی این بناها در مقایسه با مقیاس جمعیتی شهر نیز نکتهٔ قابل توجهی را آشکار می‌سازد. تعداد قابل توجه آسیاب‌ها، عصارخانه‌ها، تیمچه‌ها و کاروانسراها نسبت به اندازهٔ شهر، نشان می‌دهد که ظرفیت اقتصادی نجف‌آباد تنها برای پاسخگویی به نیازهای محلی طراحی نشده بود، بلکه فراتر از آن، در خدمت شبکه‌ای گسترده‌تر از مبادلات منطقه‌ای قرار داشت (تصاویر ۱۵، ۱۶ و ۱۷).

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-09]

[DOI: 10.22034/4.11.12]

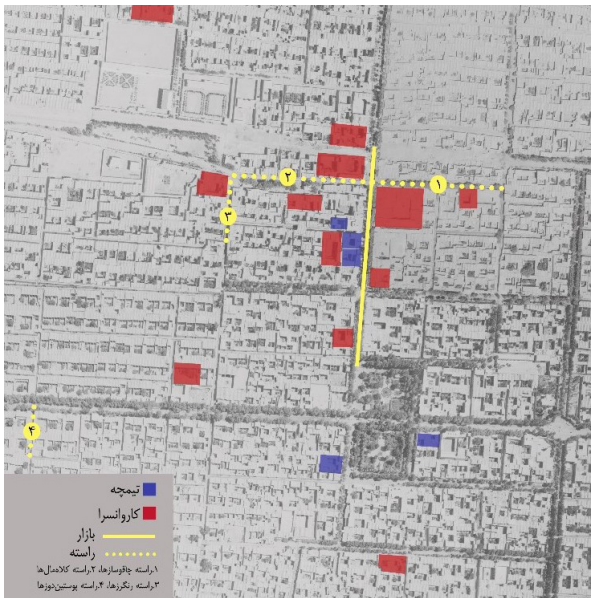

تصویر ۱۵. تمرکز عناصری هم چون کاروانسرا و تیمچه‌ها در محدودهٔ بازار نشان دهندهٔ بازاری گسترده در نجف‌آباد. پراکندگی رسته‌ها و کاروانسراها بر عکس هوایی سال ۱۳۳۵. مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور (Hojati Najafabadi, et al., 2026).

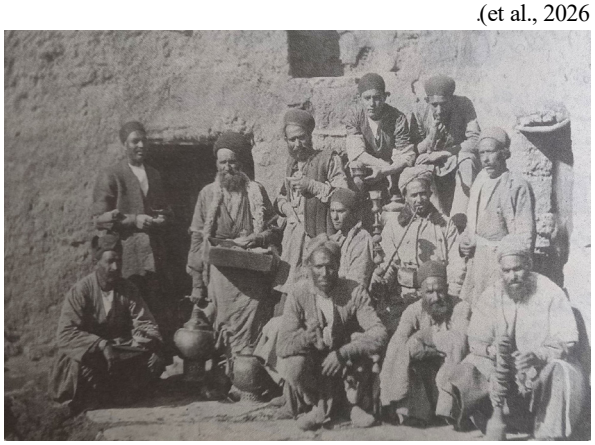

تصویر ۱۶. ظل‌السلطان در نوشتهٔ پایین عکس قید کرده است: «ابتدای دکاکین نجف‌آباد» مأخذ: آلبومخانه کاخ گلستان، آلبوم عکس بناهای قدیمی اصفهان و شکارهای ظل‌السلطان، ص۱۹.

تصویر ۱۷. بازار نجف‌آباد (برگرفته از کتاب «سفرنامه از خراسان تا بختیاری». مأخذ: D'Allemagne, 1911/1956.

بحث: نجف‌آباد در پیوند میان زیرساخت، تولید و مبادله

واکاوی ساختار اشتغال در نجف‌آبادِ تاریخی، از یک سو، بیانگر تکثر و تنوعِ لایه‌های اجتماعی این شهر و از سوی دیگر، نشان‌دهندهٔ پیوند ناگسستنی اقتصاد آن با تحولات کلانِ اصفهان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اگرچه کالبد شهر بر پایهٔ باغات و مزارع گسترده استوار بوده و «کشاورزی» نقشی حیاتی در تأمین نیازهای پایتخت صفوی ایفا می‌کرد، اما اقتصاد نجف‌آباد هرگز تک‌بعدی نبوده است. در کنار ستون‌های اصلیِ کشاورزی و دامداری، مشاغلی همچون ساخت تسلیحات و ابزارهای جنگی و همچنین صنعتِ پیشرفتهٔ عصارخانه‌ها، به این شهر هویتی نیمه‌صنعتی و متمایز بخشیده بود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ساختار اقتصادی نجف‌آباد بر سه رکن مهم استوار بوده است. رکن نخست، باغات و مزارع گسترده پیرامون شهر بود که به پشتوانهٔ شبکهٔ قنوات و نظام آبیاری، امکان تداوم تولید کشاورزی را در اقلیم نسبتاً خشک منطقه فراهم می‌کرد. رکن دوم، صنایع تبدیلی، به‌ویژه عصارخانه‌ها و آسیاب‌ها، بود که به عنوان حلقهٔ میانی که محصولِ خام (دانه روغنی و غلات) را به کالایِ نهاییِ قابل‌صدور (روغن چراغ و آرد) تبدیل می‌کرد. رکن سوم، بازار، راسته‌های صنفی و کاروانسراها بود که زمینه توزیع کالا و پیوند شهر با حوزه‌های پیرامونی را فراهم می‌ساخت. برآیند این سه مؤلفه، شکل‌گیری اقتصادی نسبتاً پیوسته و درون‌زا بود که در آن، تولید کشاورزی و باغی به صنایع تبدیلی و سپس به شبکه‌های دادوستد متصل می‌شد (تصویر ۱۹).

بر این اساس، مزیت اقتصادی نجف‌آباد را نمی‌توان صرفاً در موقعیت جغرافیایی یا نزدیکی آن به اصفهان خلاصه کرد، بلکه این مزیت بیش از هر چیز ناشی از نحوهٔ سازمان‌دهی منابع، تقسیم کار محلی و پیوند میان بخش‌های مختلف تولید و مبادله بوده است. مجاورت با اصفهان، دسترسی به مسیرهای ارتباطی و استقرار گروه‌های متنوعی از تولیدکنندگان و پیشه‌وران، شرایطی را فراهم آورد که نجف‌آباد بتواند افزون بر تأمین بخشی از نیازهای پیرامونی، در برخی حوزه‌ها به تولیدکنندهٔ کالاهای قابل عرضه در بازارهای فرامنطقه‌ای نیز بدل شود (تصویر ۱۸). استمرار این الگوی معیشتی-تولیدی را می‌توان در گزارش‌های متأخر نیز مشاهده کرد؛ چنان‌که در گزارش‌های معاصر از شهر در فرهنگ جغرافیایی اصفهان (۱۳۵۵)، نجف‌آباد تا دوره‌های بعد نیز بر پایهٔ ترکیبی از کشاورزی، دامداری و برخی فعالیت‌های دستی و کارگاهی به حیات اقتصادی خود ادامه داده است.

بر این اساس، فهم تاریخ اقتصادی نجف‌آباد بدون توجه به پیوند ساختاری میان زیرساخت‌های آبی، تولید کشاورزی و دامی، صنایع تبدیلی و سازمان بازار ممکن نیست. از این منظر، نجف‌آباد نمونه‌ای معنادار برای شناخت جایگاه شهرهای پیرامونی در ساختار اقتصادی ایرانِ دورهٔ صفوی و قاجار به‌شمار می‌رود؛ شهرهایی که با اتکا به سازمان‌دهی منابع و پیوند میان تولید و مبادله، به سطوحی از پایداری و نقش‌آفرینی اقتصادی دست یافته‌اند.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-09]
[DOI: 10.22034/4.11.121]

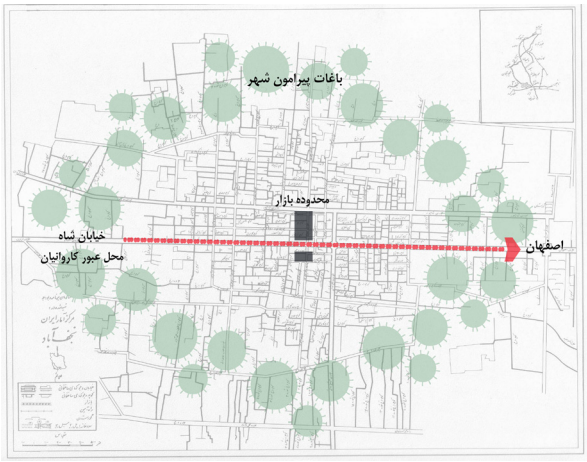

تصویر ۱۸. موقعیت محدودهٔ بازار، تیمچه‌ها و کاروانسراها نسبت به عبور کاروانیان. پیاده شده بر نقشهٔ سال ۱۳۵۳ از شهر. مأخذ: مرکز آمار ایران با تصرفات نگارندگان.

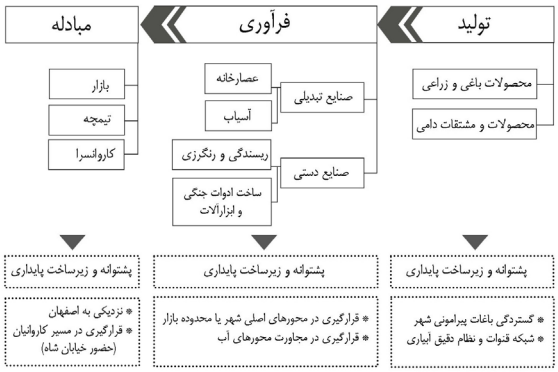

تصویر ۱۹. سه‌گانه اقتصاد در نجف‌آباد تاریخی. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی-تحلیلی، سیر تطور اقتصاد شهری نجف‌آباد، یعنی چگونگی شکل‌گیری، تداوم و پایداری آن را، از دورهٔ صفویه تا قاجار بررسی کرد. در این چارچوب، داده‌های پراکنده مربوط به فعالیت‌های تولیدی، سازوکارهای معیشتی، زیرساخت‌های اقتصادی و شبکهٔ مبادلات نجف‌آباد در فاصلهٔ صفویه تا قاجار، از منابع کتابخانه‌ای، سفرنامه‌ها و متون جغرافیایی-تاریخی گردآوری و پس از دسته‌بندی، تحلیل شد.

نتایج پژوهش نشان داد که نجف‌آباد از آغاز، صرفاً یک کانون کشاورزی پیرامونی نبوده، بلکه واجد اقتصادی چندوجهی بوده است؛ اقتصادی که بر پیوند سه سطح مکمل تولید، فرآوری و مبادله استوار می‌شد. در سطح تولید، باغداری و دامداری شالوده اصلی معیشت را تشکیل می‌داد. این بخش تولیدی تنها به مصرف محلی محدود نمی‌ماند، بلکه با ایجاد مازاد قابل عرضه، زمینه ورود نجف‌آباد به چرخهٔ مبادلات پیرامون اصفهان را نیز تقویت می‌کرد.

در سطح زیرساخت، یافته‌ها تأیید می‌کند که قنوات نقشی تعیین‌کننده در امکان‌پذیرشدن تولید و پایداری آن داشته‌اند؛ زیرا نه‌تنها تأمین آب باغ‌ها و مزارع را تضمین می‌کردند، بلکه در عمل به‌منزلهٔ زیرساخت اقتصادی عمل می‌کردند که ظرفیت تولید، ثبات سکونت و حتی تداوم برخی مشاغل وابسته را ممکن می‌ساخت. از این منظر، قنوات را باید موتور خاموش اما بنیادین اقتصاد نجف‌آباد دانست؛ عنصری که بدون آن، نه گسترهٔ باغ‌ها و نه استمرار الگوی معیشت نجف‌آباد قابل توضیح نیست.

در سطح فرآوری، صنایع تبدیلی به‌ویژه عصارخانه‌ها و آسیاب‌ها، حلقه‌ای کلیدی میان اقتصاد تولیدی و بازار ایجاد می‌کردند. این واحدها با تبدیل مواد خام مانند دانه‌های روغنی یا غلات به محصولات قابل ذخیره‌سازی و قابل مبادله، امکان جابه‌جایی کالا و حضور در شبکه تجاری را افزایش می‌دادند. به بیان دیگر، اقتصاد نجف‌آباد صرفاً بر تولید اولیه متکی نبود، بلکه به‌واسطهٔ این کارگاه‌ها، بخشی از تولید محلی به کالاهایی با قابلیت عرضه گسترده‌تر تبدیل می‌شد و همین امر، در پایداری و رونق اقتصاد شهری نقش مکمل داشت.

در سطح مبادله و سازمان شهری، بازار و پیشه‌های شهری به‌عنوان نهادهای سامان‌دهندهٔ گردش کالا و خدمات، نقش مهمی در تثبیت کارکرد اقتصادی نجف‌آباد ایفا می‌کردند. تنوع مشاغل و شکل‌گیری راسته‌ها و حرفه‌های تخصصی از صنایع مرتبط با فرآورده‌های دامی و باغی تا حرفه‌های فلزی و نساجی-رنگرزی نشان می‌دهد که اقتصاد شهر تنها به تولیدات کشاورزی محدود نبود. از این منظر، بازار نجف‌آباد را باید عرصه اتصال تولید محلی، صنایع تبدیلی و دادوستد منطقه‌ای دانست؛ عرصه‌ای که به شکل‌گیری هویت اقتصادی شهر نیز کمک می‌کرد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که جایگاه اقتصادی نجف‌آباد در تعامل مستمر با اصفهان (به عنوان پایتخت مهم صفویه) تعریف می‌شد؛ تعاملی که دو وجه هم‌زمان داشت: از یک‌سو نجف‌آباد در بسیاری از کارکردها از مرکز سیاسی-اقتصادی اصفهان اثر می‌پذیرفت و در مدار نیازهای آن قرار می‌گرفت، و از سوی دیگر، با تولید و عرضهٔ کالا به‌ویژه محصولات باغی، دامی و فرآورده‌های تبدیلی، نقش فعالی در تأمین و گردش اقتصادی منطقه ایفا می‌کرد.

بر این اساس، فهم تاریخ اقتصادی نجف‌آباد تنها با نگاه تک‌بعدی مثلاً صرفاً کشاورزی یا صرفاً بازار ممکن نیست، بلکه نیازمند نگاه شبکه‌ای به پیوند میان زیرساخت، تولید، فرآوری و مبادله است. از این منظر، نجف‌آباد نمونه‌ای معنادار برای تحلیل نقش شهرهای پیرامونی در اقتصاد ایرانِ پیشامدرن به‌شمار می‌آید؛ شهرهایی که با اتکا به سازمان‌دهی منابع و پیوند میان تولید و تجارت، توانستند در کنار مرکز، به کانون‌های مکمل و پایدار فعالیت اقتصادی تبدیل شوند.

اعلام عدم تعارض منافع

نگارندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچگونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت

۱. صاحب مقاله می‌نویسد: «نجف‌آباد شهری است که در زمان شاه‌عباس به دستور و نقشهٔ شیخ‌بهایی به عنوان قورخانه ساخته شده و از کارگران اسلحه‌سازی مسکون گردیده است و دکان‌های چاقوسازی و کارد و چنگال‌های معروف فعلی نجف‌آباد، از بقایای آن ایامند».

۲. «در طول راه به کاروان‌های شتران با بارشان برخورد کردیم، این قافله از یزد

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-09]

[DOI: 10.22034/4.11.12]

می‌آمدند و بارهای خود را از طریق اصفهان به همدان و از آنجا به تبریز می‌بردند.» (Brugsch, 1968/1983, 385).

۳. فلاندن، در زمان محمدشاه قاجار در سال‌های ۱۲۱۹ و ۱۲۲۱ شمسی، به ایران آمده و بسیاری از آثار تاریخی ایران را به دقت بازدید و بررسی کرده است.

۴. ژان شاردن، تاجر و جهانگرد مشهور فرانسوی در قرن هفدهم و هجدهم میلادی، آورده است: گبرها یا زردشتیان که نژاده‌ترین اقوام ایرانی وکهن‌ترین کشاورزان این سرزمین‌اند، بهترین نوع انگور را به بار می‌آورند زردشتیان نجف‌آباد شهرکی واقع در چهار فرسنگی اصفهان انگور را بسیار بار بهتر از مسلمانان به بار می‌آورند (Chardin, 1711/1957).

۵. او در سال ۱۲۹۴ هجری به دستور ناصرالدین شاه کتاب «جغرافیای اصفهان» را تألیف نموده است.

۶. الاصفهانی که در دورهٔ قاجار از نجف‌آباد دیدن کرده می‌نویسد: «بادام زیاد و خوب دارد؛ بلکه بادام اصفهان همه از اینجاست» (الاصفهانی، ۱۳۶۸). میرزاحسین تحویلدار می‌نویسد: «بادامش هم پوسته کلفت و هم پوسته نازک منقّا، در اینجا هر دو جور درشت و پرمغز می‌شود خاصه در کرون و نجف‌آباد مشتری دارد همه‌ساله مغز بادام را به بمبئی می‌برند» (تحویلدار، ۱۳۴۳). زمین نجف‌آباد «اکثراً مشجّر و معنّب است» (الاصفهانی، ۱۳۶۸) و کشت مو در آن به فراوانی صورت می‌گیرد «انگور نجف‌آباد، معروف و از قسم انگور مثقالی و این قسم انگور در هیچ جایی به این خوبی و شیرینی نمی‌شود» (همان). «از همه جا بهتر می‌شود و کمال تعریف را دارد» (همان). «باغ‌های انار آن (نجف‌آباد) بسیار و همه‌ی اصفهان و اغلب قری را انار می‌دهد. دیگر اصفهان محل نزدیک، انار ندارد» (همان). «انارهای خوب اردستان و نجف‌آباد اصفهان از متداولی کاشان و قم و ساوه بهتر است» (تحویلدار، ۱۳۴۳). گردو و توت به وفور در باغ‌ها و کنار جوب‌ها کاشته می‌شد. «هلو پاییزه، خاصّه آن که در نجف‌آباد عمل می‌آید، بسیار درشت و پرآب و شیرین است که مثل آن به کمتر جایی پیدا می‌شود» (الاصفهانی، ۱۳۶۸). «هلوی آن از اکثر هلوهای ایران بهتر و معروف‌تر است و هلوی خوب اصفهان از اینجاست» (همان). سایر درختان میوه از قبیل: به، گیلاس، گلابی، خرمالو و انجیر (معمولاً در منازل) و انواع حبوبات از قبیل: گندم، جو، عدس، برنج و... به مقدار کم کشت می‌گردد.

۷. کیفیت و مرغوبیت ساخت اینگونه چاقو به حدی است که می‌توان نجف‌آباد را بعد از زنجان و ساوه در مقام سومین شهر ساخت چاقو دانست (تیموری و همکاران، ۱۳۹۵). اوج موفقیت و فروش در این حرفه به دوران قاجار بخصوص دورهٔ محمدخان قاجار باز می‌گردد. چاقوهای قدیمی همگی با وسایل ابتدایی و دست‌ساز ساخته می‌شد. تیغه را از پرداخت و آب‌دادن فلز آماده کرده و دسته را با شاخ بز درست می‌کردند (همان).

۸. صنعت چیت‌سازی و قلمکاری را در دورهٔ قاجاریه دارا می‌شوند چنانکه به مناطق پیرامونی نجف‌آباد نیز حمل می‌شده است (رنجبر نجف‌آبادی، ۱۳۹۰).

۹. اصفهان در دورهٔ صفویه یکی از مراکز بااهمیت قالیبافی ایران بوده است (Nasiri, 2003). قالی نجف‌آباد در سایهٔ همسایگی با اصفهان بیشترین تأثیر را از این شهر گرفته و رونق و رکود آن همچون اصفهان بوده است لذا شناخت تحولات قالی اصفهان کمک شایانی به شناخت قالی نجف‌آباد می‌کند (توکلی نجف‌آبادی، ۱۳۸۹).

۱۰. بروگش در بازدید از نجف‌آباد آورده است: «پس از بازدید از بازار کدخدا پرسید آیا میل دارید کارخانه روغن‌کشی نجف‌آباد را مشاهده کنید؟ جواب ما مثبت بود...».

۱۱. از آن تعدادی که متعلق به نجف‌آباد بود تنها یک آسیاب، آسیاب سید ابراهیم در شهر قرار داشت و بقیه خارج از محدودهٔ مسکونی شهر بود. یاورعلی‌خان و سیدابراهیم‌آیت سه آسیابی است که در مسیر جوی شاه قرار داشت. قنات‌های صندل و خارون هم هر کدام یک آسیاب داشت که نامشان به ترتیب کاریز و شیرخانه بود. در کنار مظهر شیربچه هم یک آسیاب همنام خودش بود (همان).

۱۲. «حمام‌های عالی و کاروانسرای مختلف و متوالی و مساجد دیده شد. قریب به چهارصد و پنجاه باب دکاکین مختلفه در او واقع و دایر است که در هر یک جنس و متاعی مهیا است به قسمی که ابداً احتیاجی به شهراصفهان نخواهد داشت» (آل داوود، ۱۳۶۸).

فهرست منابع

• الاصفهانی، محمدمهدی‌ابن محمدرضا. (۱۳۶۸). *نصف جهان فی تعریف الاصفهان* (م. ستوده، ویراستار، چاپ دوم). امیرکبیر.

• آل‌داوود، سیدعلی. (۱۳۶۸). *دو سفرنامه از جنوب ایران در سال‌های ۱۲۵۶ ه.ق و ۱۳۰۷ ه.ق*. امیرکبیر.

• تحویلدار، میرزا حسین. (۱۳۴۳). *جغرافیای اصفهان* (م. ستوده، ویراستار). دانشگاه تهران.

• توکلی نجف‌آبادی، محبوبه. (۱۳۸۹). *بررسی عوامل مؤثر بر افت کیفیت فرش دستباف در نجف‌آباد* [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه هنر تهران].

• تیموری، مرتضی. (۱۳۹۵). صناعات دستی شهرستان نجف‌آباد-اصفهان. *چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*.

• جابری انصاری، میرزا حسن. (۱۳۷۸). *تاریخ اصفهان و ری*. مشعل اصفهان.

• جناب، میرسیدعلی. (۱۳۷۱). *الاصفهان* (ع. نصر، ویراستار، چاپ دوم). گلها.

• خلیلی، فضل‌الله. (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر تاریخ و فرهنگ مردم نجف‌آباد*. مهر زهرا.

• رنجبر نجف‌آبادی، زهرا. (۱۳۹۰). *باستان شناختی نجف‌آباد، تأملی بر چگونگی شکل‌گیری و تحول شهر در دورهٔ صفویه* [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران].

• سازمان جغرافیایی کشور. (۱۳۵۵). *فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادیها)*، استان دهم، اصفهان.

• *سازمان نقشه‌برداری کشور*. سامانه ارائه خدمات و محصولات سازمان نقشه‌برداری کشور. https://eshop.ncc.gov.ir

• شیروانی، حاج‌زین‌العابدین. (۱۳۶۲). *بستان‌السیاحه (سیاحتنامه)*. بیتا.

• صالحی نجف‌آبادی، زهرا. (۱۳۹۷). *شناخت ساختار شهر نجف‌آباد در دورهٔ قاجاریان* [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی].

• کرباسی، عاطفه. (۱۳۸۴). *طراحی پارک ورودی شهر نجف‌آباد* [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران].

• کرباسی، عاطفه. (۱۳۹۹). *چهل خانه*. تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۹.

• *مرکز آمار ایران*. https://amar.org.ir

• نفیسی، سعید. (۱۳۸۸). *کلیات اشعار و آثار شیخ بهایی*. چکامه.

• یزدانی نجف‌آبادی، علی. (۱۳۹۶). *رساله دیاریه خوراکوشک* (بیت و برانداز ساختارهای جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی نجف‌آباد، ویراست پروپیمانی از دیباچه دیارنون). مهر زهرا.

• Brugsch, H. K. (1983). *Reise der k. preussischen Gesandtschaft nach Persien* (H. Kurdbache, Trans.). Etelaat. (Original work published 1863)

• Chardin, J. (1957). *Voyages de Monsieur le chevalier Chardin en Perse* (M. Abasi, Trans.). Amirkabir. (Original work published 1711)

• D'Allemagne, H. (1956). *Du Khorassan au pays des Backhtiaris: trois ans de voyage en Perse* (A. Farahvash, Trans.). Amirkabir. (Original work published 1911)

• Flandin, E. N., & Pascal Coste, X. (1957). *Voyage en Perse* (H. Noorsadeghi, Trans.). Ashrafi (Original work published 1851)

• Ghayour Najafabad, H. & Sharifi najafabadi, R. (2011). The design of Najafabad,A display of governing thought of regional planning in Safavid era. *Geographical Research, 26*(103), 1-26.

• Hoeltzer, E. (1976). Persien vor 113 Jahren (M. Asemi, Trans.). *Ministry of Culture and Art, Iranian Anthropology Center*. (Original work published 1975)

• Hojati Najafabadi, N., Momtahen, M., & Omranipour, A. (2026). Residential and Livelihood Patterns in Najafabad's Historic Houses. *Bagh-e Nazar, 23*(155), 57-70. https://doi.org/10.22034/bagh.2026.525103.5835

• Nasiri, M. (2003). *Rugs, Persian*. Parang.

• Savory, R. (2003). *Iran Under the Safavids* (K. Azizi, Trans.). Markaz. (Original work published 1980)

• Siegfried, A. (1964). *L'âme des peoples* (A. Aram, Trans.). Tehran. (Original work published 1950)

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-09]

[DOI: 10.22034/4.11.121]

جدول ۲. فهرست جهانگردان و تاریخ نویسان ذکر شده در این مقاله، که به شهر و مشخصات نجف‌آباد تاریخی پرداخته‌اند.

شخص	زمان	موضوعات
ژان شاردن	حدود ۱۷۱۱ میلادی صفویه	ژان شاردن، تاجر و جهانگرد مشهور فرانسوی در قرن هفدهم و هجدهم میلادی است. وی نزدیک به پنجاه سال از عمرش را صرف مطالعه و نوشتن دربارهٔ ایران دورهٔ صفوی کرد که ثمره‌اش سفرنامه‌ای ده‌جلدی با نام سفر به ایران و هند شرقی است. شاردن در کتاب ،خود ذیل مبحث میوه‌های ایران نامی از نجف‌آباد به عنوان یکی از مناطقی که در آن انگور مرغوبی به بار می‌آید نام برده است. در بین سفرنامه‌های اروپایی این قدیمی‌ترین منبعی است که در آن از نجف‌آباد یاد شده است و به همین جهت اهمیت بالایی دارد.
اوژن فلاندن	۱۸۴۰ میلادی - قاجار	اوژن ناپلئون فلاندن نقاش، معمار و جهانگرد فرانسوی است که در سال ۱۸۴۰ میلادی به ایران سفر کرد. وی در مدت اقامت دوسالهٔ خود در ایران به شهرهای مختلف سفر کرد. اصفهان یکی از شهرهایی است که فلاندن بدان سفر کرده و در مسیر آن اقامت کوتاهی هم در نجف‌آباد داشته است.
زین العابدین شیروانی	۱۲۱۰-۱۲۴۷هجری قاجار	بستان السیاحه حاصل سفری ۳۷ ساله (۱۲۱۰-۱۲۴۷) و کتابی مشتمل بر اطلاعات بسیار و متنوع جغرافیایی، تاریخی، آرا و عقاید فرقه‌های گوناگون مذهبی و نحله‌های فکری و برخی مطالب متفرقه دیگر است.
هانریش بروگش	۱۸۶۰ میلادی قاجار	دکتر هاینریش کارل بروگش دیپلمات مشهور آلمانی است که نخستین بار در سال ۱۸۵۹ میلادی مصادف با آغازین سال‌های حکومت ناصرالدین شاه به ایران سفر کرد. بروگش در طول اقامت چند ساله خود در ایران به شهرهای بسیاری سفر کرد. او خاطرات سفر خود را در کتابی به نام سفرنامهٔ سفیر پادشاهی پروس به ایران نگاشت. در فصل دوم از جلد دوم این کتاب و ذیل بحث ادامه مسافرت به اصفهان، گزارشی از سفر وی و همراهانش به شهر نجف‌آباد آمده است. ورود آن‌ها به شهر مذکور در روز ۲۶ سپتامبر ۱۸۶۰ میلادی برابر با ۴ مهر ۱۲۳۹شمسی بوده است.
هولستر	قاجار	ارنست هولتسر (۱۸۳۵-۱۹۱۱)، یکی از عکاسان پیشگام نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است که در زمان حکومت ناصرالدین شاه به ایران آمد و نزدیک به بیست سال از عمر خود را در اصفهان گذراند. نخستین بار، در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی، عکس‌های هولتسر از اصفهان همراه با یادداشت‌های او در کتابی به نام ایران در یک‌صد و سیزده سال پیش چاپ شد.
هانری رنه دالمانی	۱۹۰۷ میلادی قاجار	هانری رنه دالمانی کلکسیونر و تاجر فرانسوی است که نخستین بار در سال ۱۸۹۹ میلادی و دیگربار در سال ۱۹۰۷ میلادی به ایران سفر کرد. دالمانی حاصل تجربیات و مطالعاتش در سفر دوم را در کتاب از خراسان تا بختیاری؛ سه ماه سفر در ایران منتشر کرد. در فصل سیزدهم این کتاب با عنوان «از اصفهان تا جونقون» وی گزارش مفصلی از حضورش در شهر نجف‌آباد و وضعیت و جغرافیای این شهر در آن مقطع (سال‌های پایانی حکومت قاجار) آورده است و اشاراتی هم به بابیان منطقه و برخوردهای با ایشان دارد.
میرزاحسین تحویلدار	۱۲۹۴ هجری -قاجار	او در سال ۱۲۹۴ هجری به دستور ناصرالدین‌شاه کتاب «جغرافیای اصفهان» را تألیف نمود.
سید علی آل داوود	قاجار	دو سفرنامه از جنوب ایران نوشته سید علی آل داوود، شامل دو سفرنامه درباره جغرافیای طبیعی، راه‌ها و فواصل شهرها و روستاها، جغرافیای انسانی و اقتصادی شهرهای مرکزی و جنوبی ایران در عصر قاجار است.
الاصفهانی	۱۳۰۰ تا ۱۳۰۸ هجری قاجار	کتاب «نصف جهان فی تعریف الاصفهان» یکی از منابع مهم و ارزشمند تاریخی و جغرافیایی دربارهٔ شهر اصفهان است که در دوره قاجار(حدود سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۸ هجری قمری) نوشته شده است. این اثر یک دایره‌المعارف کوچک درباره اصفهانِ اواخر دورهٔ قاجار است.
میر سید علی جناب	۱۳۰۳ هجری	کتاب «الاصفهان» در حدود سال ۱۳۰۳ هجری نگارش یافته است. در این کتاب او به تاریخ اصفهان، مذهب اصفهان، فهرست مساجد و معابد اصفهان، فهرست حمام‌های اصفهان، اخلاق و عادات و ... پرداخته است.
جابری انصاری	۱۳۲۲ هجری	کتاب «تاریخ اصفهان و ری و همه جهان» تألیف حاج میرزا حسن خان انصاری در حدود سال ۱۳۲۲ هجری در اصفهان است. بخش ابتدایی آن به شرح سرگذشت بناها و جغرافیای اصفهان و روستاهای آن مربوط است.
راجر سیوری	معاصر	دکتر راجر مروین سیوری، ایران شناس و صفویه پژوه انگلیسی است که کتاب‌ها و مقالات متعددی دربارهٔ تاریخ ایران به ویژه دورهٔ صفویان نگاشته است. وی در کتاب ایران عصر صفوی به پیشینهٔ تأسیس شهر نجف‌آباد اشارهٔ کوتاهی کرده است.

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
حجتی نجف‌آبادی، ندا؛ ممتحن، مهدی و عمرانی‌پور، علی. (۱۴۰۵). حیات اقتصادی و بازرگانی نجف‌آباد از صفویه تا قاجار. *مکتب احیاء*، ۴(۱۱)، ۴۸-۵۷.

DOI: https://doi.org/10.22034/4.11.121
URL: https://jors-sj.com/article-1-121-fa.html

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-09]

[DOI: 10.22034/4.11.121]